

روز شش یک میپرولی

اول گرانی جنس بود یا قیمت دلار؟

در دفاع از دوستانش، ببخشید مدیرانش، افزود: «باتوجه به این مسائل (بحران های موجود) عملکرد بانک مرکزی قابل دفاع است، ولی باید باز هم تلاش کنند». در همین رابطه از منشی یکی از مدیران پولی کشور (منظور مدیران مالی است) خواستیم دفتر یادداشت آقای مدیر را به ما برساند تا ببینیم پشت پرده مسائل چیست. او هم نامردی نکرد و کل خاطرات روزانه این مدیر را اسکن و برای ما اسند کرد!

هفته گذشته وزیر اقتصاد از گلیه مردم پرده برداشت و بلافاصله به آن پاسخ هم داد: «همه گله مند هستند که چرا بانک ها وام نمی دهند. این کار برای کنترل نقدینگی و تورم است». همتی در ادامه قیمت اصلی دلار را هم اعلام کرد: «از اول ۱۴۰۱ تا پایان آذر ۱۴۰۳ شاخص قیمت ها ۲،۸ برابر شده و اگر تورم آمریکا را از آن کم کنیم، شاخص قیمتی ما ۲،۷ برابر شده است. یعنی قیمت دلار الان باید حدود ۷۳ هزار تومان باشد». وی همچنین

سرت توی حساب کتاب نیست. وقتی وزیر اقتصاد دلار رو ۵۸۰ تحویل گرفته و الان می گه ۷۳ تومن قابل دفاعه، تا آخر سال ممکنه بریم توی باشگاه سه رقمی! اصلا هرچی تورم بیشتر بشه، قابل دفاعه!

چقدر می خوری؟
تورم تزنه بالا!

کارتون شهنام شیرزادی



همان چهارشنبه

امروز سعید آمد. شاکی بود که چرا برای سعیده مجوز واردات خود رو گرفته ام. ولی برای اوفقط پروانه ساخت برج گرفته ام. قرار شد با دوستان در وزارت صمت صحبت کنیم تا به سعید هم مجوز واردات چند خودرو بدهند. اصرار داشت که بتواند آیفون هم وارد کند. اما گفتم باشد برای تولدش. امان از این بچه ها.

شنبه هفته آینده

یکی از مدیران نامه زده است که برای افزایش قیمت دلار هم دلیل بدهم. گویا از دلیل قبلی ام خوششان آمده است. بالاخره زحماتم دیده شد. به زبان ساده قیمت دلار و گرانی مثل داستان مرغ و تخم مرغ است. اگر گرانی شود، دلار بالا می رود و اگر دلار بالا برود، اجناس گران می شوند. جواب دادم با توجه به شاخص قیمت ها و فلان و بیسار (چندتا اصطلاح فنی آوردم که مردم عادی متوجه نشوند) الان قیمت دلار باید همین باشد که هست. با توجه به بحران های بین المللی، عملکرد ما خیلی هم خوب بوده است. عصر در اخبار دیدم که عین این جملات را مدیران تکرار کرد. بی صبرانه منتظر دیدن نامه پاداش در کارتابلم هستم.

روشنه همان هفته آینده

رسانه ها می پرسند اگر وام دادن باعث تورم می شود، پس چرا به کارمندان بانک و دانه درشت ها و بستگان خودمان وام می دهیم. کارمندان بانک که به ما ربطی ندارند. دانه درشت ها هم که به ما مربوط نیستند. می ماند بستگان خودمان که خب چون از آن ها مطمئن هستیم که پولشان را درست خرج می کنند و حتی در کشورهای دیگر سرمایه گذاری می کنند. پس اصلا باعث تورم نمی شوند. چقدر مدیر بودن سخت است: مردم به زندگی شخصی ما هم کار دارند.

روشنه هفته قبل

امروز با مدیران دیگر جلسه داشتیم. متأسفانه جلسه با تأخیر شروع شد و چون به وقت ناهار خورد، پس از صرف غذا، تایم جلسه بعدی را در هفته آینده تعیین و جلسه را تمام کردیم.

روشنه هفته بعد

یک بخش نامه محرمانه برای مدیران ارسال شده است که مراجعان بانک ها از پرداخت نشدن وام شاکی هستند و شما دلیل این پرداخت نشدن را توضیح دهید. مدت زیادی بررسی و تحلیل و کلی فکر کردم تا چند دلیل خوب برای وام ندادن به متقاضیان پیدا کردم. مهم ترین دلیل آن هم کنترل نقدینگی و تورم است. یعنی اگر به مردم پول بدهیم، یکپو خرج می کنند و این باعث افزایش نقدینگی و تورم خواهد شد. حالا ببینم این دلیل را قبول می کنند یا باید به فکر ساختن دلیل دیگری باشیم.

سه شنبه همان هفته

گویا مدیران بالادستی از دلایلم خوششان آمده است و همان را به رسانه ها منتقل کرده اند. حیف شد؛ کاش خودم در یک نشست خبری این دلیل را اعلام می کردم تا امتیازش برای خودم ثبت شود. تجربه شد برای دفعه بعد که از برگ های پرنده ام برای ارتقای شغلی خودم استفاده کنم.

صفحه ۴
۸ دی ۱۴۰۳
شماره ۱۲۴

خجالت اشتباهی: رفتار شخصی دیگر. در برابر اعمال دیگران در کسی پدیدار می شود. تمسخرانه دو نفر دیگر وقتی کسی می بیند که مانند ایستگاه مترو نشسته «وووو» می خواند، می شود. زیرا لقب بی

(مورد تمسخر) باشد، کاری بغایت زشت است و فرد ساخر باید از حیات ساقط شود. **لقب:** عنوان، نام مستعار، اسمی که به کسی نسبت بدهند. در غالب موارد تطابق منفی صد درصدی لقب با شخصیت طرف مقابل، باعث خنده می شود و در اندک مواردی هم تطابق مثبت پنجاه درصد. اما به هر شکل در صد درصد موارد طرف مقابل از این لقب خرسند نیست که البته این احساسات مورد توجه هیچ کسی قرار نمی گیرد.

استهزا: [۱] به مسخره گرفتن، مسخره کردن. آن گونه که در جمع های خودی و نخودی کسی را گوشه رینگ کشیده و با القاب و حرف های نابجا او را بیازارند. **مسخره کردن:** لودگی، بذله گویی. کاری که در فرهنگ عمومی نكوهیده است، اما بشروطها؛ اگر فرد خود عامل و ساخر (مسخره کننده) باشد، فقط یک شوخی است و کسی نباید ناراحت شود. اما اگر فرد مُسخر

لغت نامه:

خجالت
اشتباهی

فرهنگ شهروندی

ماهی جوان